بیاد فتحی

وطن پرست، اسماعیل

خوانندگان ماهنامه وحید با آثار و نوشته‏های آموزنده و سودمند نصرت اله فتحی‏ نویسنده و محقق نامدار معاصر آشنائی دارند فتحی بعد از شهریور بیست و پس از زحمتها و مرارتهائی که در آن دوران کشید و زندانها و شکنجه‏هائی که دید با همکاری عده‏ئی از مبرزترین نویسندگان و شاعران روشنفکر و متعهد آنروز،روزنامه(نیروی جوان)را بصورت‏ یکی از معدود هفته‏نامه‏های سیاسی و ادبی و تاریخی درآورد.روش کوبنده وآشتی ناپذیر فتحی بحدی صریح و مؤثر و مورد قبول و روشنفکران و توده‏های آگاه مردم بود که دولتهای‏ وقت چند بار روزنامه را توقیف کردند و چندی بعد مدیر و نویسندگانش را نیز تحت‏ تعقیب قرار دادند.

فتحی از این به بعد به کار تحقیق و بررسی در تاریخ مشروطیت روی آورد و از این‏ رهگذر بسیاری از رزمندگان و قهرمانان مردمی و گمنام مشروطیت ایران را از خبایای‏ فراموشی بیرون کشید و به عنوان مظاهری از مردمی و آزادگی و میهن پرستی فراروی مردم‏ زمان خویش قرار داد.

فتحی نویسنده‏ای سوسیالیست و آزادیخواه بود از اینرو در جریان مبارزات بین سالهای‏ 20 الی 1332 به احزاب و جمعیتهای چپ،گرایش نشان میداد در عین حال با روشن‏بینی‏ و آزاد اندیشی خاص خود با بعضی از اعمال نسنجیده دستجاب چپ موافق نبود و از وابستگی به ابر قدرتها بشدت احتراز داشت و هرگونه تعهد و وابستگی را برای ملک و ملت‏ زیان بخش میدانست.

فتحی در سال 1342 به اتفاق مرحوم احمد آرامش دستگیر و زندانی شد...مدرکی‏ که ساواک برای تعقیب آرامش و فتحی بدست آورد و آنها را توقیف کرد انتشار کتابی بود تحت عنوان(پشت پردهء سیاه)که با استفاده از اطلاعات جامع‏"آرامش‏"و قلم موشکاف‏ فتحی از جنایات رژیم پرده بر میداشت.انتشار این کتاب بحدی خشم شاه و رژیم را بر انگیخت که سالها زندان و شکنجه را برای مجازات نویسندگان آن کافی ندانستند بطوریکه‏ بعد از آزاد کردن آنها.شادروان احمد آرامش در یک حادثه ساختگی توسط مأمورین ساواک مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بشهادت رسید.فتحی نیز که صدمات زندان کاملا پیر و فرسوده‏اش کرده بود و گوشه‏گیری و خانه‏نشینی محکوم گردید با این حال او کسی نبود که‏ از مبارزه و نوشتن دست بر دارد چنانکه در خانه نیز دنبال کار تحقیق و پژوهش در تاریخ‏ مشروطه و معرفی مبارزان آذربایجان را که بدان عشق میورزید رها نکرد.او که در حقیقت‏ نویسنده‏ئی توانا،پژوهنده‏ئی دقیق و حقیقت‏جو و امین و اندیشمندی و روشنفکر و دل آگاه و از همه مهم‏تر انسانی مردم دوست و نیک فطرت و متعالی بود در هیچ شرایطی از کار تحقیق‏ و مطالعه و بررسی و تألیف در زمینه ادبیات و فرهنگ بخصوص تاریخ مشروطه باز نه ایستاد چنانکه حتی تألیف آخرین کتابش را سخنگویان سه گاه آذربایجان یا(خطبای ثلاثه) نام دارد در حال بیماری و روی تخت بیمارستان بپایان رسانید او در روز 24 خرداد 1356 "دو سال قبل‏"درحالی‏که قلم در دست داشت و مقاله‏ای را بمناسبت جشن مشروطیت‏ مینوشت بناگاه قلب گرم و پرشورش از کار باز ایستاد و بدین‏سان طومار زندگانی روستائی‏ زاده‏ئی دانشمند که هموراه به روستازادگی خویش فخر و مباهات میکرد درهم پیچیده شد.

نصرت اله فتحی در سال 1333 هجری قمری در روستای(آتش بغ)یا(آتشباک) یا(آتش بیگ)از توابع مراغه نزدیکی راه‏آهن تهران-تبریز در خانواده‏ای نسبتا متمکن چشم بجهان گشود محیط خانواده برای پرورش استعداد و ذوق و تربیت اولیه وی‏ مساعد بود و این خود موهبتی است که در گذشته بسیاری از صاحبان نبوغ از آن بی‏بهره‏ بودهه‏اند.

فتحی سواد خواندن و نوشتن مقدمات عربی را در دامان خانواده و مکتب خانه‏ روستای زادگاه خویش فرا گرفت سپس در مراغه و تبریز و تهران به تکمیل معلومات پرداخت‏ و در مدارس قدیمه محضر استادانی همچون حاجی میرزا علینقی واعظ دهخوار قانی صاحب‏ کسب دانش و معلومات بود نه دست یافتن بمدرک و مقام،مردی باسواد بار آمد.

فتحی از قریحه شاعری نیز بی‏نصیب نبود و سروده‏های خود را با امضای(آتشباک) تخلص میکرد ولی دوستی و معاضدت و همکاری او با شادروان کسروی تبریزی در مجله پیمان‏ موجب گردید تا از شعر و شاعری دوری گزیند و از آن روی برگرداند.

به تصور نگارنده این موضوع نهایتا به نفع فتحی تمام شده است زیرا اگر او هم مثل‏ بسیاری از اصحاب قافیه،بسرودن نظمهای تکراری و بی‏محتوا می‏پرداخت احتمالا از کار تحقیق باز میماند و آثار سودمندی همچون شهید نیکنام ثقه الا سلام تبریزی و آزادهء گمنام‏ و...از خود بیادگار نمی‏نهاد..

سبک نگارش نصرت اله فتحی اگرچه اندکی متاثر از سبک مرحوم کسروی است به جهاتی‏ از ویژگی و روانی خاص برخوردار است زیرا او علاوه بر تاریخ نویسی نوول و داستان هم‏ می‏نوشت که برخی از آنها نظیر نوول نویسان و منتقدان دینای غربی را بجانب خود جلب‏ کرده تا آنجا که از آن بستایش و تحسین یاد کرده‏اند.استاد سید محمد علی جمال زاده در مقدمه‏ئی که بر کتاب‏"برگ عیش‏"فتحی نوشته بموضوع یاد شده اشاره کرده است.

فتحی در سالهای اخیر و پس از تألیف کتاب گرانقدر(شهید نیکنام ثقة الاسلام‏ تبریزی)عشق و علاقه‏اش به تحقیق و نگارش بنحو محسوسی افزایش یافت چنانکه پس از انتشار کتاب خطبای سه‏گانه آذربایجان اظهار داشت:(آذربایجان را در انقلاب مشروطیت‏ 25 خطیب بود که معرفی سه تن از آنها را انجام داده‏ام و ما بقی را بتدریج معرفی و به‏ جامعه خواهم شناساند)ولی هزار افسوس که دست اجل مهلتش نداد تا به‏ انجام این آرزو توفیق پیدا کند و در روز 24 خردادماه 1356 بطور ناگهانی زندگانی را وداع گفت و بجوار رحمت ایزدی پیوست.روانش شاد و یادش گرامی باد.

بقیه از صفحه 54 نوری امتداد دارد و دارای 10 میلیون کهکشان-که هریک جزیره‏ای از صدها بیلیون‏ ستاره‏است-می‏باشد.با نگریستن باعماق این آسمان پرستاره،ستاره شناسان در واقع‏ یک جهان چهار بعدی را مشاهده می‏کنند،جهانی که بعد زمان نیز بآن افزوده شده‏است. با سرعت 000ر186 مایل در ثانیه،نوری که مدتها پیش ستاره‏ها و کهکشانهای دور دست‏ را ترک کرده است تازه اکنون به زمین می‏رسد.بدینگونه انسان خورشید نزدیک به خود را چنان می‏بیند که اندکی بیش از هشت دقیق پیش از آن بوده است و نزدیک‏ترین ستاره به‏ خورشید PROXiMA CENTAURi را چنانکه تقریبا چهار سال پیش از آن و بعضی از کهکشانهای دورتر را آنچناکه بیلیونها سال پیش بنظر می‏رسیده‏اند.بنابراین‏ چشم دوختن به آسمان مانند بازنگریستن به زمان است و بعضی از ستاره‏گانی را که ستاره‏ شناسان می‏بینند ممکن است دیگر وجود نداشته باشند.براستی همچنانکه آندر شوارتس‏ بارت در کتاب خود"آخرین دادگران‏"می نویسد"چشمان ما نور ستاره‏گان مرده را ثبت می کنند".